خبر

سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا:

با دادن کارت نان به مردم مشکلات حل نمی‌شود

● **نامه‌نیوز:** سیدمصطفی هاشمی‌طبا، فعال سیاسی گفت: افزایش فشار اقتصادی بر مردم، کار را به جایی رسانده که ناهنجاری‌های اجتماعی رو به افزایش گذاشته است؛ به این معنا که وقتی طبقه متوسط در سال‌های گذشته به‌شدت تحت فشار قرار گرفت و حتی به گفته برخی جامعه‌شناسان سیاسی از بین رفت، دو طبقه مرفه‌ها و فرودستان رویاروی یکدیگر قرار گرفتند که چنین شرایطی بی‌تردید می‌تواند پیامدهای خطرناکی در پی داشته باشد. امروز مردم ناامید شده‌اند. با پول‌پاشی و دادن کارت نان به مردم، مشکلات حل نمی‌شود. وقتی مردم می‌بینند هرچه سخن می‌گویند به جایی نمی‌رسد، دست به اعتراض می‌زنند. وقتی کشاورزی در شرق اصفهان می‌بیند آب خشک شده است، چه باید بکند؟ تا چقدر باید خویشتن‌دار باشد؟ خویشتن‌داری هم حدی دارد.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها:

آمار تجمعات یک سال گذشته درخور توجه است

● **ایلنا:** احمد علیرضابیگی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها گفت: طرح «ساماندهی تجمعات» در ماه گذشته به من ارجاع داده شد؛ کار ناقصی از دوره قبل مانده بود و رفت و برگشتی را این طرح تجربه کرده است و الان دارد مرحله بررسی در کارگروه را طی می‌کند. هدف ما از طراحی این طرح، اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی است که شما وقتی به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی مراجعه کنید، در آنجا با وسعت نظر به این موضوع نگاه شده که اعتراض مردم به رسمیت شناخته شود، اما به واسطه اینکه قانونی در این رابطه تاکنون تدوین نشده بوده، دولت‌ها در مقاطع مختلف اقدام به تصویب آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی کرده بودند. نماینده تبریز ادامه داد: الان تجمعاتی که در کشور، چه در سال گذشته و چه در سال جاری برگزار شده، آمار درخور توجهی است که شاید بیش از ۹۳ درصد این تجمعات، تجمعات صنفی و کارگری بوده و در این جریان هم شرایط موجود فقط اداره شده است.

عکس: وحید خدادادی، آنا

چگونه اشتراکات فکری خاتمی و ناطق‌نوری افزایش یافت؟

رفاقتِ بعد از رقابت

مهرشاد ایمانی: شنیده‌ها حاکی از آن است که جلساتی مشترک میان خاتمی، ناطق‌نوری، روحانی و سیدحسن خمینی برگزار شده است که در وهله نخست برقراری این جلسات می‌تواند چنین به ذهن متبادر کند که این شخصیت‌ها در پی راهبردی سیاسی برای ادامه مسیر جبهه اصلاحات هستند؛ اما جواد امام، یکی از نزدیکان خاتمی، سیاسی‌بودن این جلسات را رد کرده و می‌گوید: «البته جلسات آقای خاتمی با این افراد تشکیلاتی نیست، شاید دیدارها و دیدوبازدیدهایی داشته باشند؛ اما هیچ جلسه تشکیلاتی که بخواهد راجع به انتخابات‌های آینده یا بحث‌های این‌چنینی بین آقایان صورت بگیرد، مطلقا صحت ندارد. دیدارها یا جلسات آقای خاتمی با آقای ناطق‌نوری و آقای روحانی چه ارتباطی می‌تواند با هم داشته باشد؟ مگر آقای ناطق‌نوری جریان اصلاحات را نمایندگی می‌کند؟ از نظر ما، ایشان یک اصولگرای باسابقه و اعتدالی است. یکی از سرمایه‌های کشور است که در دوران مختلف حضور داشته و مورد احترام است».

به فرض صحت سخن امام مبنی بر سیاسی و تشکیلاتی نبودن این جلسات همین گزاره دوم یعنی دیدوبازدیدهای خاتمی و ناطق خود می‌تواند جالب باشد؛ دیدارهای دو رقیب قدیمی که گویا اکنون فارغ از جناح‌بندی‌های مرسوم به رفیق یکدیگر تبدیل شده‌اند؛ دو شخصیتی که روزگاری و در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ تمام‌قد رویاروی یکدیگر قرار داشتند و هریک نماینده جناح سیاسی خود بودند. ناطق قطب اصولگرایان محسوب می‌شد و به نوعی در کنار مهدوی‌کنی و عسگراولادی حرف اول و آخر جناح راست را می‌زد و خاتمی هم علاوه بر آنکه نماینده جناح چپ بود، به قطب نسل تازه‌ای تبدیل شده بود که اصلاحات را ضرورت جامعه و سیاست می‌دانستند و به جدیت خواهان افزایش توسعه سیاسی در کشور بود. خاتمی پیروز آن انتخابات شد که البته ناطق بعد از شکست به‌هیچ‌وجه در مقام تقابل با خاتمی برنیامد و حتی دو سالی که این دو در مقام رئیس‌جمهور و رئیس مجلس با هم کار می‌کردند، تقریبا با آرامش گذشت و با نگاه به رأی اعتماد مجلس پنجم به دولت اول خاتمی می‌توان چنین برداشت کرد که برخلاف پیش‌بینی‌ها مجلس پنجم سر جنگ با دولت اصلاحات نداشت.

ناطق حتی به محض پیروزی خاتمی به او در پیامی تبریک گفت و سال‌ها بعد یعنی در سال ۹۳ درباره علت پیام تبریکش در گفت‌وگویی بیان کرده بود: «در ماجرای تبریک به آقای خاتمی بالاخره ایشان رأی اکثریت را آورده بود و مردم احساس می‌کردند ایشان برای این کار اصلح است. تا آنجایی که به‌عنوان مسلمان به من مربوط می‌شد، باید به تکلیفم عمل می‌کردم و همین کار را هم انجام دادم. آمدم کاندیدا شدم و گروهی هم به ما کمک کردند که این تکلیف محقق شود، خوب نشد. لا یُکَلِّفُ اللّهُ نَفسًا إِلّا وُسعَها. بنابراین تکلیف از من ساقط شده بود و به‌همین‌دلیل آسوده‌خاطر بودم و آن چیزی که از آن به‌عنوان قواعد بازی یاد می‌کنیم، خب ظهورش در همین مواقع هست. قاعده بازی در دنیا این است که اگر رقیب پیروز شد، باید با او همکاری کرد. بنده رأی نیاوردم. بسیار خب، منافع ملی که هنوز هست. به همین جهت تکلیف من یک روز این بود که کاندیدا بشوم و رقابت کنم، یک روز هم تکلیفم این بود که در مجلس دولت را کمک کنم. این روش را من روش درست می‌دانم و قائلم که اگر همه همین‌طور عمل می‌کردند و تنگ‌نظرانه عمل نمی‌کردند، امروز وضع بهتری داشتیم». او درباره شرایط مجلس پس از انتخابات هم گفته بود: «شاید برایتان جالب باشد که بدانید روز یکشنبه پس از انتخابات که به مجلس رفتم، همه منتظر بودند که ببینند مجلس را چطور اداره می‌کنم. بالاخره رئیس مجلسی بودم که در انتخابات شکست خورده بودم. برای برخی سؤال این بود که بنده چطور می‌خواهم با این مسئله برخورد بکنم؟ خب! بنده هم بسیار شاداب و سر حال به مجلس وارد شدم و در نطق خودم از حضور مردم تشکر کردم و به برادر گرامی جناب آقای خاتمی تبریک گفتم و بعد هم اعلام کردم تا دیروز رقابت بود و از امروز رفاقت است. این عبارتی بود که برای نخستین بار من به کار بردم و در طول دوره‌ای که از آن هنگام در مجلس بودم؛ یعنی بیش از دو سال بعد از دوم خرداد، در اوج همکاری و همدلی با دولت گذشت».

ناطق راست می‌گفت و دوران بعد از رقابت، آرام‌آرام به رفاقت تبدیل شد و به‌تدریج این رفاقت از مرحله تعارف سیاسی به یک رفاقت واقعی تغییر شکل داد؛ خاصه با ظهور نیروهایی جدید در میان اصولگرایان که معلوم نبود از کجا و با چه شناسنامه‌ای آمده بودند و ادعای انقلابی‌گری می‌کردند؛ مشخصا آغاز دوره محمود احمدی‌نژاد مدنظر است که البته در سال ۸۴ همه نیروهای اصولگرا پشت او ایستادند؛ اما بعد از گذشت چندی مشخص شد احمدی‌نژاد به حامیان اصولگرای خود وفادار نیست و جریان خود را هدایت می‌کند؛ جریانی که از سوی خود اصولگرایان انحرافی نام گرفت؛ اما برگردیم به ارتباط ناطق و خاتمی. حلقه وصل مهم این ماجرا اظهارات احمدی‌نژاد در جریان مناظره‌های انتخاباتی سال ۸۸ بود؛ به نحوی که در پیشگاه تمام مردم او علیه همه اصلاح‌طلبان و حتی اصولگرایان میانه‌رو طغیان کرد؛ از خاتمی، موسوی و کروبی تا هاشمی‌رفسنجانی و ناطق‌نوری و دراین‌بین شبهاتی غیرمستند را علیه خانواده ناطق پیش کشید که شاید بتوان گفت دلخوری ناطق از آن حرف‌ها باعث شد او تاکنون عطای سیاست را به لقایش ببخشد؛ اما همین حملات باعث شد ناطق‌قدری به اصلاح‌طلبان و به‌خصوص خاتمی نزدیک‌تر شود. ناطق‌نوری در سال ۹۲ از گزینه اصلاح‌طلبان یعنی حسن روحانی حمایت کرد و در سال ۹۶ هم ضمن حمایت دوباره از روحانی گفت: «بنده با توجه به آشنایی با همه کاندیداها و سوابق ایشان ضمن احترامی که برای همه آنها قائل هستم، شخص آقای روحانی را اصلح دانسته و می‌دانم، همان‌طورکه مرحوم آیت‌الله هاشمی نیز در انتخابات سال ۹۲ و حتی پس از آن، حمایت خویش را از ایشان بارها اعلام داشته‌اند».

این ارتباط تا جایی پیش رفت که حتی زمانی که دولت روحانی آن‌چنان که باید و شاید انتظارات عمومی را برآورده نکرد، خاتمی و ناطق هم‌نظر با یکدیگر به نقد روحانی پرداختند؛ مشخصا چند سال پیش بود که خاتمی و ناطق در منزل روحانی حضور یافتند و گویا خاتمی به روحانی گفته بود که «شما وعده‌های انتخاباتی داده‌اید که تقریبا به بسیاری از آنها عمل نکرده‌اید، مردم حساس شده‌اند. این ناامیدی کار اصلاح‌طلبان را برای انتخابات بعدی مشکل می‌کند». این سخنانی است که یک عضو شورای مشورتی خاتمی به «ایلنا» گفته بود «نکته دیگری که آقای خاتمی مطرح کرد درخصوص رفع حصر بود، ایشان به آقای روحانی گفت شما وعده رفع حصر را در سال ۹۲ دادید و بعدها موکول به سال ۹۶ کردید. چرا این موضوع را به طور جدی پیگیری نمی‌کنید؟ خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود انتقاداتی را نسبت به تیم اقتصادی دولت و اینکه دولت برنامه اقتصادی مشخصی ندارد، مطرح کرد و گفت که چرا از ظرفیت آقای جهانگیری استفاده نمی‌کنید؟ دولت باید برنامه خود را در زمینه اقتصاد مشخص کند و با یک تیم منسجم آن را جلو ببرد».

گویا ناطق‌نوری هم گلایه‌های مهمی به روحانی مطرح کرده بود، مخصوصا در رفع حصر و اینکه رئیس‌جمهور باید زودتر به برنامه‌ها و وعده‌هایی که داده است عمل کند و بر تعامل بیشتر با قوای دیگر تأکید داشتند». اینجا هم مشاهده می‌شود موضع خاتمی و ناطق یکی است؛ یعنی چه در حمایت از روحانی و چه در نقد او. چندی پیش هم گفته شد که قرار است اتاق فکری با حضور خاتمی، ناطق، لاریجانی، روحانی و عبدالله نوری شکل بگیرد که البته تشکیل نشد؛ اما عزم تشکیل این اتاق فکر هم خود نشانه دیگری از استمرار رفاقت ناطق و خاتمی داشت. به هر روی این دو شخصیت مطرح سیاسی علاوه بر آنکه در یک موضوع یعنی کنارگذاشته‌شدن یا کناررفتن از عرصه سیاسی مشترک‌اند، گویا این روزها اشتراکات فکری زیادی نیز با یکدیگر دارند؛ اشتراکاتی که به سخن سال‌های دور ناطق یعنی رفاقت با خاتمی جامه عمل پوشانده است.

خبر

نامه دبیر کل حزب اتحاد به رئیسی:

وقت تنگ است و فرصت عمل محدود

● **امتداد:** آذر منصوری، دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، در نامه‌ای به سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور، با برشمردن سه بحران اساسی ورزش ایران خواستار ورود او و اتخاذ تصمیمی عاجل شد. منصوری باشگاه‌داری دولتی و به تبع آن حذف استقلال و پرسپولیس از لیگ قهرمانان آسیا، عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها به‌عنوان تماشاگر مسابقات ورزشی و عدم رویارویی ورزشکاران ایرانی با نمایندگان رژیم صهیونیستی را سه بحران اساسی ورزش ایران ذکر کرده و نوشته: «جناب رئیس‌جمهور! وقت تنگ است و فرصت‌های عمل محدود. پس از شما می‌خواهیم با اتخاذ این سه تصمیم عاجل از افتادن ورزش ایران به ورطه‌ای که جز خسارت برای ایران و غصه برای ایرانیان سرانجامی نخواهد داشت، جلوگیری کنید». در بخشی از این نامه آمده است: مسابقات قهرمانی و بازی‌های جهانی به‌ویژه در خصوص تیم‌های ملی، از معدود حلقه‌هایی است که هنوز آحاد ایرانیان را فراتر از اختلافات و تفاوت‌های سیاسی و فکری و... به هم پیوند می‌دهد و همدل و همصدا می‌کند. اما این روزها ورزش ایران در شرایط بحرانی قرار دارد و با آنکه بسیاری از مردم و به‌خصوص ورزشکاران نگران چالش‌های پیش‌روی ورزش کشور هستند، متأسفانه دولت شما کاملا به این واقعیت بی‌توجه است. عملکرد دولت قبل در این حوزه اصلا قابل‌دفاع نبوده و سمت و سوی دولت فعلی اگر وضعیت را بدتر نکند، بهتر از دولت قبل هم نخواهد بود؛ مگر آنکه شما تصمیم دیگری بگیرید... مهاجرت و پناهندگی چندین ورزشکار سرشناس که سرمایه‌های این جامعه بودند و عملکرد ما و شما باعث شد که امید خود را به موفق‌ماندن در این کشور از دست بدهند، از جمله نتایج تلخ آن روند است. محروم‌شدن باشگاه‌های بزرگ فوتبال کشور از لیگ قهرمانان آسیا مثال دیگری است که به‌خوبی نشان می‌دهد ورزش این مملکت تا چه حد قربانی مشکلات و اشکالات مدیریتی شده و هواداران پروپاقرص آن تیم‌ها را مأیوس و دلسرد ساخته است... لازم است صراحتا هشدار دهیم که اگر شما و همکارانتان در این سراشیبی جلوی سقوط را نگیرید و دست‌فرمان ورزش کشور را تغییر ندهید، شاید به‌زودی در بخشی‌هایی از ورزش کشور شاهد محرومیت، انسداد و بحران‌های مهارنشدنی باشیم که آثار و تبعات اجتماعی و اقتصادی فراوانی دارد.